



## تأثیر ارزش‌های فرهنگی بر گرایش‌های تفکر انتقادی در بین دانشجویان

مارال عباس زاده<sup>۱</sup>، مجتبی رضایی راد<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۲۱

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر ارزش‌های فرهنگی بر گرایش‌های تفکر انتقادی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد با روش همبستگی انجام شد. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دانشکده‌های علوم پزشکی، انسانی و فنی و مهندسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ به تعداد ۸۹۳۳ نفر بود که طبق جدول کرجسی و مورگان، تعداد ۳۶۸ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای (بر حسب دانشکده محل تحصیل) به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه‌های ارزش‌های فرهنگی منصوری سپهر و همکاران (پایایی: ۰/۸۸) و تفکر انتقادی پاک‌مهر و همکاران (پایایی: ۰/۸۹) بود. در سطح اطمینان ۹۵ درصد ( $\alpha = 0/05$ )، ضریب همبستگی پیرسون نشان داد، رابطه مثبت معناداری بین ارزش‌های فرهنگی و گرایش‌های تفکر انتقادی در دانشجویان هر یک از دانشکده‌های پزشکی، علوم انسانی و فنی و مهندسی وجود دارد. تحلیل واریانس یک راهه نشان داد، ارزش‌های فرهنگی و گرایش‌های تفکر انتقادی در بین دانشجویان دانشکده‌های پزشکی، علوم انسانی و فنی و مهندسی تفاوت آماری معناداری ندارند. همچنین، تحلیل رگرسیونی نشان داد ارزش‌های فرهنگی بر گرایش‌های تفکر انتقادی دانشجویان تأثیر دارد. به طوری که، ارزش‌های فرهنگی، ۵۵/۴ درصد از گرایش‌های تفکر انتقادی را تبیین (پیش‌بینی) می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: ارزش‌های فرهنگی، تفکر انتقادی، دانشجویان، دانشگاه آزاد.

۱- کارشناسی ارشد تکنولوژی آموزشی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی ساری، ایران

۲- استادیار گروه تکنولوژی آموزشی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی ساری، ایران (نویسنده مسئول) mojtabarezaeirad@yahoo.com

## مقدمه

استدلال، ارزیابی اطلاعات، مهارت‌های حل مسئله و تصمیم‌گیری منطقی در موقعیت‌های مختلف تقویت می‌نماید (دربان و همکاران، ۱۳۹۵). از دیدگاه بسیاری از مربیان و فلاسفه، پرورش تفکر انتقادی نه تنها هدف عمده نظام تعلیم و تربیت هر جامعه‌ای محسوب می‌شود، بلکه به‌عنوان شرط اولیه و یکی از رسالت‌های اصلی تربیت دانشگاهی نیز قلمداد می‌گردد (موسی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵). از سویی، تفکر انتقادی یک مهارت مورد نیاز برای مشارکت عاقلانه در یک جامعه دموکراتیک در دنیای مدرن است که بیشتر به‌عنوان توانایی افراد برای به چالش کشیدن تفکرات‌شان درک می‌شود و مستلزم آن است که افراد معیارهای خود را برای تجزیه، تحلیل و ارزیابی تفکرات‌شان گسترش دهند و به‌صورت عادی از آن معیارها و استانداردها برای گسترش کیفیت تفکرات استفاده کنند (موسیوند، ۱۴۰۱). با این وصف، تفکر انتقادی سبکی از فکر کردن در مورد هر موضوع، محتوا یا شکل است که فرد متفکر کیفیت فکر کردن خود را با تحلیل کردن، ارزیابی و نوسازی آن، بالا می‌برد (جونز<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷). از همین‌رو، رشد و پرورش مهارت‌های فکری و تفکر انتقادی دانشجویان همواره مسئله پیچیده‌ای در آموزش بوده و کارشناسان تعلیم و تربیت اتفاق نظر دارند که رشد تفکر انتقادی وظیفه اصلی مراکز آموزشی بوده و باید بخش لاینفک آموزش در هر مقطعی باشد (مباشری و همکاران، ۱۳۹۶). چراکه، برخورداری دانشجویان از مهارت تفکر انتقادی می‌تواند اندوخته‌های علمی آنان را به‌کار گیرد و به حیطة عمل بکشانند (خرسندپور و همکاران، ۱۴۰۰). در واقع، این مهارت راهی جهت از بین بردن شکاف تئوری و عمل است. به عبارت بهتر، این مهارت، یک فرآیند شناختی، خودتنظیمی و هدفدار تلقی می‌شود که در نتیجه تفسیر، تجزیه و تحلیل، ارزشیابی و استنباط شکل می‌گیرد و به فرد کمک می‌نماید تا برای درستی و نادرستی مسائل، دلایلی را ذکر کند و با بررسی و تجزیه و تحلیل اطلاعات در دسترس، تشخیص فرضیات و گزینه‌ها با منطق و استدلال و ذهنیتی باز به دنبال طرح سؤال از خود و دیگران و آزمودن راه‌ها، حقیقت مسئله را کشف نماید (اوزونوز و دمیرهان<sup>۳</sup>، ۲۰۱۷). با این‌که، هدف غایی دانشگاه‌ها، پرورش مهارت‌های تفکر انتقادی است (گاروود

از مهم‌ترین وظایف آموزش عالی، به‌منزله یکی از زیرساخت‌های نظام آموزشی، تربیت نیروی متخصص در زمینه‌های مختلف علمی و پژوهشی و ارائه خدمات تخصصی به جامعه در حوزه‌های متنوع علم و فناوری است (اخلاصی و همکاران، ۱۴۰۰). لذا، حسب قوانین، اسناد و پژوهش‌های موجود، مقولاتی از قبیل عدالت آموزشی، اهتمام به ارزش‌های فرهنگی، رشد آموزش مادام‌العمر، بهره‌مندی از اساتید کارآمد و تغییر مثبت در زمینه نگرش افراد جامعه به زندگی از جمله اساسی‌ترین چشم‌اندازها و رسالت‌های آموزش عالی محسوب می‌شوند (عبدی و همکاران، ۱۳۹۶). با این وصف، دوران دانشجویی و کسب تجربه زیسته در آن، به‌طریق مختلف بر افکار، نگرش‌ها، بینش‌ها، ارزش‌ها، جهت‌یابی‌ها و رفتار انسانی تأثیرگذار است (سنگی، ۱۴۰۲). چراکه، تحصیلات دانشگاهی، افراد را با چالش‌ها، چشم‌اندازها و تجارب تازه‌ای مواجه می‌سازد، آنان را به اندیشیدن، داوری و ارزیابی خود، وامی‌دارد (عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴). در واقع، حضور در دانشگاه، مقارن با افزایش تحصیلات، علقه‌های شناختی دانشجویان را پرورش داده و بدیهی است این مناسبات جدید بر نظام شخصیت، تفکر و هویت آنان تأثیر می‌گذارد (اخلاصی و همکاران، ۱۴۰۰). به‌عبارت دیگر، بهره‌مندی از تحصیلات عالی، نه تنها دانشجویان را توانمند ساخته و استقلال و خودانگیزی آنان را ارتقاء بخشیده، آنان را قادر می‌سازد با تغییر در سبک زندگی، طرح ارزش‌های نو و تغییر در نگرش‌ها و سبک تفکر، به شیوه‌ای جدید، بیاندیشند و رفتار کنند (سنگی، ۱۴۰۰). بنابراین، در زیست بوم جدید که هدف اصلی از تعلیم و تربیت دانشجویان، پرورش یادگیرندگان مادام‌العمر است، به نظر متخصصان و صاحب‌نظران، یکی از راه‌های اصلی دستیابی به این هدف، مجهز کردن آنان به تفکر انتقادی<sup>۱</sup> می‌باشد (کورشنیا و لطیفیان، ۱۳۹۰). در واقع، یکی از مهم‌ترین وظایف آموزش عالی، تربیت فراگیران نقاد در گزینش و تحلیل اطلاعات، انجام عملکرد مبتنی بر شواهد و یادگیری مادام‌العمر می‌باشد (مالکی‌امامیه و رضایی، ۱۳۹۴) و تفکر انتقادی، یکی از اساسی‌ترین مهارت‌ها است که کمبود این توانایی، انسان‌ها را از مشارکت موثر در جوامع باز می‌دارد (طاهری و همکاران، ۱۳۹۶). در واقع، تفکر انتقادی یک فرآیند شناختی است که توانایی دانشجویان را در

<sup>2</sup>. Jones

<sup>3</sup>. Uzunöz & Demirhan

<sup>1</sup>. Critical thinking

زندگی دانشجویی، مسائل تحصیلی و برنامه‌های درسی را تحت تأثیر قرار دهند. در واقع، ارزش‌های فرهنگی حاکم بر دانشگاه و محیط آن بر کنش‌های دانشگاهی، کنترل و نظارت نامرئی اعمال می‌کنند (عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴). به عبارت دیگر، قرار داشتن در موقعیت دانشجویی به طرق مختلف بر ارزش‌های فرهنگی دانشجویان اثر می‌گذارد. از جمله، همراه با تحصیلات دانشگاهی، نگرش و بینش دانشجویان به دلیل به سر بردن در میدان واقعیت فرهنگی جامعه و دانشگاه، دچار تغییر و تحول می‌گردد. به طوری که، تقاضا برای بهره‌مندی از رسانه‌های ارتباطی و اطلاعاتی شدت پیدا می‌کند (سنگی، ۱۴۰۲). بر اساس دیدگاه متخصصان، تفکر انتقادی از عامل‌های اجتماعی و محیطی پیرامون خود از جمله، والدین، معلمان و اساتید و فرهنگ تأثیر می‌پذیرد (کورشنیا و لطیفیان، ۱۳۹۰). طبق بایدون و سیم<sup>۳</sup> (۲۰۰۹)، تفکر انتقادی را می‌توان به عنوان عملکردهای اجتماعی، فرهنگی و تاریخی، در نظر گرفت. در واقع، ارزش‌های فرهنگی در بستر عملکردهای اجتماعی می‌توانند در بروز و شیوه‌های پرورش و رشد تفکر انتقادی، نقشی تعیین‌کننده داشته باشد. چراکه، بر اساس دیدگاه سازنده‌گرایی اجتماعی، رشد شناختی در بستر فرهنگ و اجتماع صورت می‌گیرد و فرآیندهای عالی ذهن به طور مستقیم تحت تأثیر فرهنگ قرار می‌گیرند (اسماعیلی و شیخ‌الاسلامی، ۱۳۹۷). به طور مشابه، تان<sup>۴</sup> (۲۰۱۷) نشان داد، تفکر انتقادی توسط فرهنگ‌های مختلف شکل می‌گیرد که با شرایط و عوامل تاریخی، نهادی، اخلاقی و اجتماعی-فرهنگی، مرتبط است. هم-چنین، متغیرهای فرهنگی و میان فرهنگی دیگری که در جوامع مختلف حالت‌ها و وضعیت‌های متفاوتی دارند، مانند نظم و انضباط، قانون‌گرایی و قانونمندی، عزت نفس، خودکارآمدی، خودتنظیمی و انگیزه پیشرفت اثرات مثبت معناداری بر تفکر انتقادی دارند (مانالو و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۱۳). اگرچه، پژوهشگران دریافته‌اند که فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی یک عامل کلیدی در رشد و توسعه هویت و شخصیت بارز انسانی است که اغلب به طور مستقیم بر تفکر انتقادی تأثیر می‌گذارد، قندیاس و همکاران<sup>۶</sup> (۲۰۲۲)، در بررسی اثربخشی مدل‌های یادگیری

و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۸)، بررسی متون پژوهشی نشان می‌دهد، توجه و تعهد به این هدف کمتر در نظام آموزشی کنونی مورد توجه قرار گرفته است (حسینی و همکاران، ۱۴۰۰). همچنین، نتایج مطالعات در مقاطع مختلف تحصیلی و فارغ‌التحصیان در محیط کار نشان دهنده این امر هست که اغلب دانشگاه‌ها برنامه و نقشه‌ای برای تقویت مهارت‌های تفکر انتقادی دانشجویان ندارند (جهانی و همکاران، ۱۴۰۲). عوامل زیادی وجود دارند که می‌توانند بر تفکر انتقادی تأثیرگذار باشند. از جمله متغیرهایی که به نظر می‌رسد همبستگی معناداری با تفکر انتقادی داشته باشد، ارزش‌های فرهنگی<sup>۲</sup> است (کورشنیا و لطیفیان، ۱۳۹۰). فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای است که شامل مجموعه علوم و دانش‌ها، اعتقادات، هنرها، افکار و عقاید، صنایع، تکنیک، قوانین و مقررات، عادات و رسوم و رفتار و ضوابطی است که انسان به عنوان عضو یک جامعه آن را از جامعه خود فرا می‌گیرد و در قبال آن تعهداتی به عهده دارد (متوسلی و همکاران، ۱۴۰۱). با این وصف، ارزش‌های فرهنگی عبارت است از ارزش‌ها، نگرش‌ها، اعتقادات و الگوهای تفکر که خاستگاه یک منطقه یا جامعه می‌باشد و مشخص می‌کند که آن چگونه کار می‌کند و افراد یا گروه‌ها چگونه باید در آن عمل کنند (منصوری‌سپهر و همکاران، ۱۳۹۲). در این میان، افزون بر جنبه‌های ذهنی و روحی، تحصیل کردن دارای تأثیرات عینی نیز می‌باشد. تحصیلات عاملیت انسان‌ها (آگاهی و اختیار) را بسط می‌دهد (سنگی، ۱۴۰۰). برای همه دانش‌آموزانی که در محیط مدرسه و خانواده خود با نظارت‌های خاص روبه‌رو بودند، ورود به دانشگاه، تجربه اجتماعی جدیدی است، دنیایی گشوده‌تر و متنوع با اختیارات و آزادی بیشتر که موجب بروز تغییراتی در نگرش و رفتار می‌شود. دانشگاه، دانشجویان را از لنگرگاه امن فرهنگی خود جدا می‌سازد و دستمایه‌ای به آن‌ها می‌دهد تا بتوانند ارزش‌ها و هویت‌های خود را انتخاب کنند (سنگی، ۱۴۰۲). آنچه بیش از همه بیانگر اهمیت ارزش‌های فرهنگی در دوران دانشجویی است، تأثیر برنامه‌های فرهنگی و نیز علاقمندی دانشجویان برای بهره‌مندی هرچه بیشتر از فضاها و امکانات موجود در دانشگاه می‌باشد (متوسلی و همکاران، ۱۴۰۱). به این ترتیب، در آموزش عالی، ارزش‌های فرهنگی می‌توانند

<sup>۳</sup>. Baidon, & Sim

<sup>۴</sup>. Tan

<sup>۵</sup>. Manalo et al.

<sup>۶</sup>. Qondias et al.

<sup>۱</sup>. Garwood et al.

<sup>۲</sup>. Cultural values

رابطه معناداری بین انگیزه تحصیلی و گرایش به تفکر انتقادی دانشجویان وجود دارد. هم‌چنین، ارتباط مثبت وضعی بین جنسیت و گرایش به تفکر انتقادی دانشجویان وجود دارد. ولی، بین متغیرهای پایگاه اقتصادی-اجتماعی و رشته تحصیلی با گرایش به تفکر انتقادی ارتباط معناداری مشاهده نشد. کورش‌نیا و لطیفیان (۱۳۹۰)، در بررسی رابطه بین ارزش‌های فرهنگی جامعه و گرایش‌های تفکر انتقادی دانشجویان با واسطه‌گری ابعاد الگوهای ارتباطات خانواده و استادان، به این نتیجه دست یافتند که رابطه معنی‌داری بین ارزش‌های فرهنگی جامعه و گرایش‌های تفکر انتقادی دانشجویان وجود دارد. در مجموع، این طور به نظر می‌رسد، تفکر انتقادی ضامن پیشرفت زندگی اجتماعی و فردی هر انسانی می‌باشد و کسانی که از این مهارت برخوردار هستند افرادی موفق بوده و البته، هر اندازه، جامعه‌ای دارای متفکران انتقادی بیشتری باشد، آن جامعه، موفق‌تر و توسعه یافته‌تر است. از طرفی، با عنایت به این‌که کشورمان از یک پیشینه فرهنگی ارزشمندی در طول تاریخ برخوردار بوده است، متأسفانه تاثیر ریشه‌های فرهنگی و ارزش‌های فرهنگی در آموزش و پرورش و آموزش عالی، بر متغیرهای موثر در فرآیندهای یاددهی-یادگیری از جمله گرایش‌های تفکر انتقادی در حد نظریه باقی مانده و در عمل، برنامه خاصی برای آن ارائه نشده است. با این وصف، با توجه به نقش اساسی دانشجویان در پویایی فضای کشور و پیشبرد اهداف آرمان‌گرایانه آن و با توجه به این‌که مجموعه مشخصی از هنجارها و ارزش‌ها وجود دارند که با توسعه دانش تأیید می‌شوند، مشروعیت می‌یابند و از طریق نظام پاداش و مجازات تقویت و یا تضعیف می‌شوند و از آن‌جا که چنین هنجارها و ارزش‌هایی تحت عنوان ارزش‌های فرهنگی شناخته می‌شوند و می‌توانند مسائل و چالش‌هایی را پیش روی آموزش عالی و دانشگاه‌ها ایجاد نمایند و از آن‌جا که هدف غایی تعلیم و تربیت توانا ساختن شخص برای تفکر روشن، منطقی و فکر سازنده است و آموزش بایستی روحیه انتقاد کردن و به چالش کشیدن و زمینه مطالعه، بررسی و تحقیق را برای افراد به‌وجود آورد، از این رو، سوال اصلی پژوهش حاضر این است که آیا بین ارزش‌های فرهنگی با گرایش‌های تفکر انتقادی در بین دانشجویان دانشکده‌های علوم پزشکی، انسانی و فنی و مهندسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری رابطه وجود دارد؟

مبتنی بر حل مسئله چند فرهنگی بر بهبود نگرش‌های اجتماعی و مهارت‌های تفکر انتقادی در دانش‌آموزان، نشان دادند که مدل یادگیری مبتنی بر حل مسئله چند فرهنگی در بهبود نگرش‌های اجتماعی و مهارت‌های تفکر انتقادی دانش‌آموزان مؤثر بوده است. کرتیانی و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۲۲) در بررسی مقایسه تاثیر مهارت تفکر انتقادی بر یادگیری مبتنی بر حل مسئله و یادگیری مبتنی بر حل مسئله با راه‌حل درونی شده، نشان دادند که مهارت تفکر انتقادی بر یادگیری مبتنی بر حل مسئله و یادگیری مبتنی بر طرح مسئله با راه‌حل درونی شده تاثیر مثبت معناداری دارد. در پژوهشی دیگر، چایسووان و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۲۱)، در بررسی رابطه ارزش‌های فرهنگی و تمایلات تفکر انتقادی و تفاوت آن‌ها در بین دانشجویان پرستاری در تایلند و ایالات متحده، نشان دادند که بین ارزش‌های فرهنگی و گرایش‌های تفکر انتقادی رابطه معنی‌داری وجود ندارد. پژوهش لو و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۲۱) تحت عنوان تفاوت‌های فرهنگی در سبک تفکر انتقادی: مقایسه دانشجویان کشاورزی آمریکا و چین در مقطع کارشناسی، نشان داد که دانشجویان آمریکایی سبک تفکر انتقادی جذاب را ترجیح می‌دهند، در حالی‌که، دانشجویان چینی سبک تفکر انتقادی به‌دنبال اطلاعات را ترجیح می‌دهند. این تفاوت‌ها بین ترجیحات سبک تفکر انتقادی با زمینه‌های فرهنگی دانشجویان در ارتباط بوده است. پارک و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۲۱) در بررسی پرورش خلاقیت و تفکر انتقادی در دانشکده: یک بررسی بین فرهنگی، نشان دادند که دانشجویان چینی در مقیاس‌های تفکر انتقادی از دانشجویان آمریکایی بهتر عمل می‌کنند، در حالی‌که، آمریکایی‌ها از دانشجویان چینی در معیارهای خلاقیت بهتر عمل می‌کنند. در نهایت، داشتن برخی از تجربه‌های تحقیقاتی دانشگاهی (مانند گذراندن دوره‌های روش تحقیق) می‌تواند بر خلاقیت و مهارت‌های تفکر انتقادی دانشجویان آمریکایی و چینی تأثیر مثبت داشته باشد. کیان‌پور و همکاران (۱۳۹۳) در بررسی وضعیت گرایش به تفکر انتقادی دانشجویان دانشگاه اصفهان و برخی از عوامل مرتبط با آن، نشان دادند که حدود ۸۲ درصد از دانشجویان دارای گرایش زیاد به تفکر انتقادی هستند و

1. Kertiyani et al.

2. Chaisuwan et al.

3. Lu et al.

4. Park et al.

## روش

اندازه‌گیری فاصله‌ای و طیف نگرش سنج لیکرت است، به طوری که، در پاسخ به هر سوال، هر گزینه امتیازی از ۱ تا ۵ دارد (شدیدا مخالفم، ۱ امتیاز؛ مخالفم، ۲ امتیاز؛ نمی‌دانم، ۳ امتیاز؛ موافقم، ۴ امتیاز و کاملا موافقم، ۵ امتیاز). در پژوهش پاک‌مهر و همکاران (۱۳۹۲)، تحلیل عاملی تأییدی نشان داد پرسشنامه دارای عوامل و سازه‌های مورد نظر سازندگان آن است، به طوری که در مجموع، ۶۱ درصد از نمرات تفکر انتقادی را به خود اختصاص دادند. به این ترتیب، نتایج تحلیل عاملی، روایی سازه آزمون را تأیید نمود. همچنین، به روش همسانی درونی و محاسبه ضریب آلفای کرونباخ، پایایی این مقیاس برابر ۰/۷۶ به دست آمد (پاک‌مهر و همکاران، ۱۳۹۲). در این پژوهش، مقدار پایایی پرسشنامه به روش همسانی درونی و محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۹، به دست آمد.

به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش جهت تعمیم اطلاعات حاصل از نمونه به جامعه آماری از آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل واریانس یک راهه و تحلیل رگرسیونی در سطح معناداری  $\alpha=0/05$ ، استفاده شده است.

## یافته‌ها

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه آماری نشان داد ۵۹ درصد (۲۱۸ نفر) زن و ۴۱ درصد (۱۵۰ نفر) دیگر مرد هستند که ۶۰ درصد در دانشکده علوم انسانی (۲۲۱ نفر)، ۲۲ درصد در دانشکده فنی و مهندسی (۸۱ نفر) و ۱۸ درصد در دانشکده پزشکی (۶۶ نفر) مشغول به تحصیل می‌باشند.

جهت اجرای روش‌های آماری و محاسبه آماره آزمون مناسب و استنتاج منطقی درباره فرضیه‌ها از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای بررسی فرض نرمال بودن داده‌های پژوهش استفاده شد. یافته‌ها نشان داد در سطح اطمینان ۹۵ درصد ( $\alpha=0/05$ )، متغیرهای پژوهش یعنی ارزش‌های فرهنگی و تفکر انتقادی از یک توزیع نرمال برخوردار هستند، چراکه، مقدار سطح معناداری (Sig.) محاسبه شده برای هر یک از متغیرها، از مقدار  $0/05 = \alpha$  بزرگتر است.

جدول ۱، میزان همبستگی بین ارزش‌های فرهنگی و گرایش‌های تفکر انتقادی در دانشجویان هر یک از دانشکده‌های علوم پزشکی، علوم انسانی و فنی و مهندسی

پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی؛ از نظر گردآوری اطلاعات و داده‌ها از نوع پژوهش‌های توصیفی و از نظر روش تحقیق، همبستگی می‌باشد. جامعه آماری، شامل کلیه دانشجویان دانشکده‌های علوم پزشکی، علوم انسانی و فنی و مهندسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ به تعداد ۸۹۳۳ نفر بوده است که با مراجعه به جدول تعیین حجم نمونه کرجسی و مورگان (۱۹۷۰)، تعداد نمونه برابر ۳۶۸ نفر تعیین شده است. با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای (بر-حسب دانشکده‌های محل تحصیل دانشجویان)، جامعه آماری به سه طبقه تقسیم شد (دانشکده‌های علوم پزشکی، علوم انسانی و فنی و مهندسی) و متناسب با حجم هر طبقه نمونه‌گیری به عمل آمد. روش گردآوری داده‌ها، پرسشنامه‌های ارزش‌های فرهنگی منصوری‌سپهر و همکاران (۱۳۹۲) و تفکر انتقادی پاک‌مهر و همکاران (۱۳۹۲) بوده است که در ذیل تعداد گویه‌ها و نحوه نمره-گذاری در خصوص هر پرسشنامه توصیف شده است:

**پرسشنامه ارزش‌های فرهنگی:** این پرسشنامه توسط منصوری‌سپهر و همکاران (۱۳۹۲) در قالب ۱۶ سوال طراحی و استفاده شده است. نمره‌گذاری آن بر اساس مقیاس اندازه‌گیری فاصله‌ای و طیف نگرش سنج لیکرت است، به طوری که، در پاسخ به هر سوال، هر گزینه امتیازی از ۱ تا ۵ دارد (گزینه کاملا مخالفم، ۱ امتیاز؛ مخالفم، ۲ امتیاز؛ نظری ندارم، ۳ امتیاز؛ موافقم، ۴ امتیاز و کاملا موافقم، ۵ امتیاز). در پژوهش منصوری‌سپهر و همکاران (۱۳۹۲)، تحلیل عاملی تأییدی نشان داد پرسشنامه دارای عوامل و سازه‌های مورد نظر سازندگان آن است، به طوری که در مجموع، ۵۳ درصد از نمرات ارزش-های فرهنگی را به خود اختصاص دادند. به این ترتیب، نتایج تحلیل عاملی، روایی سازه آزمون را تأیید نمود. همچنین، به روش همسانی درونی و محاسبه ضریب آلفای کرونباخ، پایایی این مقیاس برابر ۰/۷۰ به دست آمد (منصوری‌سپهر و همکاران، ۱۳۹۲). در این پژوهش، مقدار پایایی پرسشنامه به روش همسانی درونی و محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۸، به دست آمد.

**پرسشنامه تفکر انتقادی:** این پرسشنامه توسط پاک‌مهر و همکاران (۱۳۹۲) در قالب ۳۳ سوال طراحی و استفاده شده است. نمره‌گذاری پرسشنامه بر اساس مقیاس

در دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری را با استفاده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد.

جدول ۱- بررسی همبستگی بین ارزش‌های فرهنگی و تفکر انتقادی در دانشجویان

Sig.	شاخص‌های آماری			متغیرها		دانشکده
	$r^2$	r	n	ملاک	پیش‌بین	
۰/۰۰۰	۰/۴۹	۰/۷۰	۶۶			علوم پزشکی
۰/۰۰۰	۰/۶۴	۰/۸۰	۲۲۱			علوم انسانی
۰/۰۰۰	۰/۴۰	۰/۶۳	۸۱	تفکر انتقادی	ارزش‌های فرهنگی	فنی و مهندسی
۰/۰۰۰	۰/۵۶	۰/۷۵	۳۶۸			کل

تقویت و افزایش ارزش‌های فرهنگی در دانشجویان دانشکده‌های علوم پزشکی، علوم انسانی و فنی و مهندسی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری، انتظار می‌رود دست کم به میزان ۴۰ درصد گرایش‌های تفکر انتقادی در آنان افزایش یابد و برعکس.

جدول ۲، نتایج مقایسه آماری ارزش‌های فرهنگی و تفکر انتقادی در بین دانشجویان دانشکده‌های علوم پزشکی، علوم انسانی و فنی و مهندسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری را با استفاده از آزمون تحلیل واریانس یک راهه (ANOVA) نشان می‌دهد.

جدول ۲- مقایسه ارزش‌های فرهنگی و تفکر انتقادی در بین دانشجویان دانشکده‌های پزشکی، انسانی و فنی و مهندسی						
Sig.	F	MS	df	SS	منبع تغییرات	متغیر
۰/۲۲۶	۱/۴۹	۰/۹۲	۲	۱/۸۴	درون گروهی	ارزش‌های فرهنگی
-	-	۰/۶۲	۳۶۵	۲۲۵/۱۷	بین گروهی	
۰/۱۸۶	۱/۶۹	۱/۱۷	۲	۲/۳۴	درون گروهی	تفکر انتقادی
-	-	۰/۶۹	۳۶۵	۲۵۲/۸۸	بین گروهی	

نشان داد ارزش‌های فرهنگی، ۵۵/۴ درصد از تفکر انتقادی دانشجویان را پیش‌بینی می‌کند ( $r$  چندگانه: ۰/۷۴۵؛  $r^2$  تعدیل شده: ۰/۵۵۳؛  $F$  رگرسیونی: ۴۵۵/۳۱ و Sig.: ۰/۰۰۰).

جدول ۳، نتایج تحلیل رگرسیونی (ضرایب همبستگی چندگانه) جهت پیش‌بینی تفکر انتقادی توسط ارزش‌های فرهنگی در بین دانشجویان دانشکده‌های علوم پزشکی، علوم انسانی و فنی و مهندسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری را نشان می‌دهد.

جدول ۱، نشان می‌دهد در سطح اطمینان ۹۵ درصد ( $\alpha = ۰/۰۵$ )، داده‌ها فرضیه صفر ( $H_0$ ) را رد و فرضیه پژوهش ( $H_1$ ) را تایید می‌نمایند، چرا که  $\alpha = ۰/۰۵ < \text{Sig.} = ۰/۰۰۰$ . یعنی، بین ارزش‌های فرهنگی و گرایش‌های تفکر انتقادی در دانشجویان دانشکده‌های علوم پزشکی، علوم انسانی و فنی و مهندسی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری رابطه مثبت معناداری وجود دارد. به طوری که، مقدار این همبستگی در بازه  $۰/۸۰ < r < ۰/۶۳$  قرار دارد. محاسبه ضریب تعیین  $۰/۶۴ < r^2 < ۰/۴۰$ )، نشان می‌دهد که به ازای ۱ درصد تغییر در جهت

جدول ۲، نشان می‌دهد در سطح اطمینان ۹۵ درصد ( $\alpha = ۰/۰۵$ )، داده‌ها فرضیه صفر ( $H_0$ ) را تایید می‌نمایند، چرا که،  $\alpha = ۰/۰۵ > \text{Sig.}$ ، یعنی، بین ارزش‌های فرهنگی و تفکر انتقادی در دانشجویان دانشکده‌های علوم پزشکی، علوم انسانی و فنی و مهندسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری تفاوت آماری معناداری وجود ندارد. در واقع، از نظر آماری، ارزش‌های فرهنگی و تفکر انتقادی دانشجویان دانشکده‌های علوم پزشکی، علوم انسانی و فنی و مهندسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری برابر و یکسان است.

جهت پیش‌بینی تفکر انتقادی (ملاک) توسط ارزش‌های فرهنگی (پیش‌بین) از تحلیل رگرسیونی یک‌متغیره استفاده شد. به طوری که، ضریب تعیین ( $r^2 = ۰/۵۵۴$ )

جدول ۳- ضرایب معادله رگرسیونی؛ بر آورد پارامترها

پارامترها	B	Beta	t	Sig.
ارزش‌های فرهنگی	۰/۷۹	۰/۷۵	۲۱/۳۴	۰/۰۰۰
عدد ثابت (عرض از مبدا)	۰/۷۱	-	۵/۲۳	۰/۰۰۰

جدول ۳، نشان داد در سطح اطمینان ۹۵ درصد ( $\alpha = ۰/۰۵$ )، داده‌ها فرضیه صفر ( $H_0$ ) را رد و فرضیه پژوهش ( $H_1$ ) را تایید می‌نمایند، چرا که  $\alpha = ۰/۰۵ < \text{Sig.} = ۰/۰۰۰$ ، یعنی، تفکر انتقادی دانشجویان توسط ارزش‌های فرهنگی‌شان پیش‌بینی می‌شود.

عمیقی هستند که اعضای جامعه در آن سهمیم هستند، همین احساسات غالباً اعمال و رفتار اعضای جامعه را تعیین می‌کنند. بنابراین، در هر جامعه‌ای با توجه به خصوصیات فرهنگی آن، مقولات، معیارها و مفاهیمی با ارزش قلمداد می‌شوند (سنگی، ۱۴۰۰). از سویی، ارزش‌های فرهنگی هم اجزای احساسی و هم مولفه‌های شناختی دارند که می‌توانند منبع نهایی هرگونه رفتار منطقی هدف‌دار و آگاهانه باشند (متوسلی و همکاران، ۱۴۰۱). بنابراین، به نظر می‌رسد، زندگی در عصر حاضر و وجود مشترکات بسیاری از قبیل مواجهه بودن با انواع تغییرات و دگرگونی‌ها در عرصه ملی و بین‌المللی، فرهنگ، تاریخ، آداب و رسوم، رفاه، آسایش، امنیت، بهزیستی و سلامتی، احترام و استقلال، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی و موارد بسیاری دیگر، از دیگر سو، وجود ارزش‌های مشترک، خصوصیات فرهنگی مشترک، کلاس‌های مشترک، استادان مشترک، امیدها و آرزوها، دغدغه‌ها، مسائل و چالش‌های مشترک اعم از اشتغال، ازدواج، و غیره، سبب شده است که از نظر ارزش‌های فرهنگی و تفکر انتقادی اختلاف معناداری در میان دانشجویان دانشکده‌های مختلف مورد بررسی مشاهده نشده است. از سویی، یافته‌ها نشان داد رابطه مثبت معناداری بین ارزش‌های فرهنگی و تفکر انتقادی در دانشجویان دانشکده‌های علوم پزشکی، علوم انسانی و فنی و مهندسی آزاد اسلامی واحد ساری وجود دارد. تحلیل رگرسیونی نیز نشان داد تفکر انتقادی دانشجویان توسط ارزش‌های فرهنگی‌شان پیش‌بینی می‌شود و سهم ارزش‌های فرهنگی در پیش‌بینی تفکر انتقادی برابر ۵۵/۴ درصد است، یعنی، با تقویت ارزش‌های فرهنگی در دانشجویان انتظار می‌رود، تفکر انتقادی آنان بهبود، رشد و توسعه یابد و برعکس، با کاهش شدن ارزش‌های فرهنگی، احتمال دارد تفکر انتقادی آنان نیز کاهش گردد. در نتیجه، چنین استنباط می‌شود که یکی از روش‌های تقویت و افزایش تفکر انتقادی در دانشجویان، توجه و تاکید بر بهبود، تقویت و رشد ارزش‌های فرهنگی در آنان است. نتیجه به‌دست آمده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تاثیر ارزش‌های فرهنگی بر گرایش‌های تفکر انتقادی در بین دانشجویان دانشکده‌های علوم پزشکی، علوم انسانی و فنی و مهندسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری انجام شده است. یافته‌ها نشان داد بین ارزش‌های فرهنگی و تفکر انتقادی در دانشجویان دانشکده‌های علوم پزشکی، علوم انسانی و فنی و مهندسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری تفاوت آماری معناداری وجود ندارد. در واقع، از نظر آماری، ارزش‌های فرهنگی و تفکر انتقادی دانشجویان دانشکده‌های علوم پزشکی، علوم انسانی و فنی و مهندسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری برابر و یکسان است. نتیجه به‌دست آمده با پژوهش‌های کربانی و همکاران (۲۰۲۲) و لو و همکاران (۲۰۲۱) همسو بوده است. چراکه، در این پژوهش‌ها به‌نوعی نتیجه شده است که بین دانشکده‌های مختلف در یک دانشگاه، تفاوت آماری معناداری در میزان ارزش‌های فرهنگی و تفکر انتقادی دانشجویان وجود ندارد. در تبیین نتیجه به‌دست آمده می‌توان اظهار داشت که جوامع کنونی، دوره پرشتابی را از نظر صورت‌بندی‌های فرهنگی و اجتماعی تجربه می‌کنند. در این میان، آموزش عالی و به‌طور اخص دانشگاه‌ها، نقطه مرکزی این شتاب، هم‌زمانی و درهم‌آمیختگی دگرگونی‌های ساختاری و نظام معانی در عرصه ملی و جهانی هستند. نظام آموزش عالی علاوه بر کانون تولید و انتقال اطلاعات علمی، مهم‌ترین کانون فرهنگ‌پذیری و انتقال و بازتولید ارزش‌های فرهنگی در سطح ملی محسوب می‌شود (عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴). از طرفی، چهار جزء اصلی فرهنگ شامل باورها، ارزش‌ها، هنجارها و تکنولوژی‌ها، می‌باشد (عزیزی‌مهر، ۱۳۹۷). در این میان، ارزش‌های فرهنگی، احساسات

### بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی تاثیر ارزش‌های فرهنگی بر گرایش‌های تفکر انتقادی در بین دانشجویان دانشکده‌های علوم پزشکی، علوم انسانی و فنی و مهندسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری انجام شده است. یافته‌ها نشان داد بین ارزش‌های فرهنگی و تفکر انتقادی در دانشجویان دانشکده‌های علوم پزشکی، علوم انسانی و فنی و مهندسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری تفاوت آماری معناداری وجود ندارد. در واقع، از نظر آماری، ارزش‌های فرهنگی و تفکر انتقادی دانشجویان دانشکده‌های علوم پزشکی، علوم انسانی و فنی و مهندسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری برابر و یکسان است. نتیجه به‌دست آمده با پژوهش‌های کربانی و همکاران (۲۰۲۲) و لو و همکاران (۲۰۲۱) همسو بوده است. چراکه، در این پژوهش‌ها به‌نوعی نتیجه شده است که بین دانشکده‌های مختلف در یک دانشگاه، تفاوت آماری معناداری در میزان ارزش‌های فرهنگی و تفکر انتقادی دانشجویان وجود ندارد. در تبیین نتیجه به‌دست آمده می‌توان اظهار داشت که جوامع کنونی، دوره پرشتابی را از نظر صورت‌بندی‌های فرهنگی و اجتماعی تجربه می‌کنند. در این میان، آموزش عالی و به‌طور اخص دانشگاه‌ها، نقطه مرکزی این شتاب، هم‌زمانی و درهم‌آمیختگی دگرگونی‌های ساختاری و نظام معانی در عرصه ملی و جهانی هستند. نظام آموزش عالی علاوه بر کانون تولید و انتقال اطلاعات علمی، مهم‌ترین کانون فرهنگ‌پذیری و انتقال و بازتولید ارزش‌های فرهنگی در سطح ملی محسوب می‌شود (عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴). از طرفی، چهار جزء اصلی فرهنگ شامل باورها، ارزش‌ها، هنجارها و تکنولوژی‌ها، می‌باشد (عزیزی‌مهر، ۱۳۹۷). در این میان، ارزش‌های فرهنگی، احساسات

(۲۰۱۷) نیز نشان داد، تفکر انتقادی توسط فرهنگ‌های مختلف شکل می‌گیرد که با شرایط و عوامل تاریخی، نهادی، اخلاقی و اجتماعی-فرهنگی، مرتبط است. لذا، ارزش‌های فرهنگی یک عامل کلیدی در رشد و توسعه هویت و شخصیت بارز انسانی هستند که اغلب به‌طور مستقیم بر تفکر انتقادی تأثیر می‌گذارند. بنابراین، توجه جدی و همه‌جانبه به فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی در همه ابعاد و مولفه‌ها و برنامه‌ریزی برای اهمیت دادن به ارزش‌های فرهنگی خاص هر دانشجو و در نظر گرفتن آموزش‌های خاص جهت تقویت ارزش‌های والای آموزشی، فرهنگی و اجتماعی که نوآوری، خلاقیت، تفکر خلاق و تفکر انتقادی را در آنان رشد و توسعه دهد، می‌توان انتظار داشت دانشجویانی تربیت شوند که علاوه بر بهره‌مندی از تحصیلات عالی، دانشجویانی توانمند، مستقل، مبتکر، نوآور و کارآفرین باشند که قادر هستند با تغییر در سبک زندگی، طرح ارزش‌های نو و تغییر در نگرش‌ها و سبک تفکر، به شیوه‌ای جدید، می‌اندیشند و رفتار می‌کنند. در این صورت، رهبرانی تحول‌آفرین، کارآمد، مسئولیت‌پذیر، با وجدان و اثربخش به‌عنوان برون‌داد سیستم آموزش عالی در جامعه نقش‌آفرین و موجب اعتلا و سربلندی خواهند بود. باید توجه داشت، هر پژوهشی که در ماهیت به‌دنبال ارتباط بین عوامل و تأثیر آن‌هاست، در بطن خود مجموعه محدودیت‌هایی را دارا است. این محدودیت‌ها ممکن است بر سر راه پژوهش ظاهر شده و امر پژوهش را دچار مشکلاتی نموده و تعمیم نتایج را با دشواری مواجه سازند. از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به نحوه جمع‌آوری اطلاعات از طریق پرسشنامه بسته‌پاسخ خود-گزارشی و جامعه آماری دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ به سبب استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای اشاره داشت که باعث شده است پژوهش حاضر از نوع مقطعی بوده و در آن داده‌های مطالعه در یک مقطع کوتاه گردآوری شوند، در صورتی که دستیابی به یک فهم کامل از موضوع مورد بررسی، مستلزم انجام پژوهش طولی است. از همین‌رو، در تعمیم نتایج به جوامع آماری دیگر، نهایت توجه، دقت و احتیاط به‌عمل آید. از طرفی، یکی از مهم‌ترین محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به عدم وجود تحقیقات مشابه و کم بودن تحقیقات (خصوصاً داخلی) اشاره کرد که امکان مقایسه نتایج این پژوهش با نتایج تحقیقات مشابه امکان‌پذیر و میسر نبوده است. هم‌چنین، در پژوهش حاضر

با پژوهش چایسووان و همکاران (۲۰۲۱)، ناهمسو و با نتایج پژوهش‌های کیان‌پور و همکاران (۱۳۹۳)، کورش‌نیا و لطیفیان (۱۳۹۰)، قندیاس و همکاران (۲۰۲۲)، لو و همکاران (۲۰۲۱) و پارک و همکاران (۲۰۲۱)، همسو بوده است. چراکه، در این پژوهش‌ها نیز به‌نوعی نتیجه شده است که رابطه آماری معناداری بین متغیرهای ارزش‌های فرهنگی و تفکر انتقادی وجود دارد و ارزش‌های فرهنگی قدرت و توان پیش‌بینی تفکر انتقادی را دارند. در تبیین نتیجه به‌دست آمده می‌توان اظهار داشت که در آموزش عالی، زندگی دانشجویی، مسائل تحصیلی و برنامه‌های درسی، تحت تأثیر فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی قرار دارند. ارزش‌های فرهنگی نیز بر کنش‌های دانشگاهی، کنترل و نظارت نامرئی، اعمال می‌کنند و هر نوع تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی در خصوص مسائل دانشگاهی بدون توجه به آن مفید نخواهد بود (عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴). از آن‌جا که، تفکر انتقادی به هنر، علوم و فرهنگ یک جامعه بستگی دارد (جهانی و همکاران، ۱۴۰۲) و ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی از نظر اخلاقی، تعیین‌کننده اهمیت و صحت پدیده‌های اجتماعی هستند، بار عاطفی دارند و به‌عنوان هنجارهای قضاوت به‌کار می‌روند (سنگی، ۱۴۰۰)، ارزش‌های فرهنگی در بستر عملکردهای اجتماعی می‌توانند در بروز و شیوه‌های پرورش و رشد تفکر انتقادی، نقشی تعیین‌کننده داشته باشد. چراکه، طبق نظریه زیست بوم شناختی، رشد انسان در درون نظام پیچیده‌ای از روابط، تحت تأثیر چندین سطح از متغیرهای محیطی قرار می‌گیرد. هر سطح از محیط تأثیر قدرتمندی بر رشد دارد. به طوری که، در بیرونی‌ترین سطح نظام، کلان سیستم، که از ارزش‌ها، فرهنگ، قوانین، سنن، آداب و رسوم و امکانات تشکیل شده است، رشد افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از سویی، طبق دیدگاه سازنده‌گرایی اجتماعی، رشد شناختی در بستر فرهنگ و اجتماع صورت می‌گیرد و فرآیندهای عالی ذهن مانند نوآوری و خلاقیت، به‌طور مستقیم تحت تأثیر فرهنگ قرار می‌گیرند (اسماعیلی و شیخ‌الاسلامی، ۱۳۹۷). از جمله موارد دیگر، می‌توان به متغیرهای فرهنگی و میان فرهنگی که در جوامع مختلف حالت‌ها و وضعیت‌های متفاوتی دارند، مانند نظم و انضباط، قانون‌گرایی و قانونمندی، عزت نفس، خودکارآمدی، خودتنظیمی و انگیزه پیشرفت اشاره داشت که به نظر می‌رسد اثرات مثبت معناداری بر تفکر انتقادی دانشجویان داشته باشند (مانالو و همکاران، ۲۰۱۳). تان



ممکن است متغیرهایی مانند وضعیت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی دانشجویان بر نتایج تأثیرگذار بوده باشد. از همین رو، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌هایی با طرح طولی جهت استنباط رابطه علت و معلولی در مورد متغیرهای این پژوهش صورت گیرد و تأثیر عوامل جمعیت‌شناختی نظیر جنسیت، سن و وضعیت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی دانشجویان مورد بررسی و پیمایش دقیق‌تر و بیشتری قرار گیرد. توصیه می‌گردد علاقمندان به این حوزه از پژوهش با روش‌ها و ابزارهای دیگر، این پژوهش را در سایر استان‌ها تکرار و نتایج را با نتایج حاصل از این پژوهش مقایسه نمایند. هم‌چنین، بر اساس یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌گردد، تقویت تفکر انتقادی از طریق نهادینه شدن به‌عنوان یک ارزش فرهنگی به‌عنوان بخشی از برنامه‌های درسی و آموزشی دائمی در دانشگاه‌ها بخصوص دانشگاه آزاد اسلامی در نظر گرفته شود. هم-چنین، زمینه‌سازی مناسب فرهنگی و اجتماعی و سیاستگذاری‌ها و راهبردهای علمی و آموزشی مناسب و متناسب با شرایط روز نیازهای جامعه برای پرورش نسل جوان متفکر نقاد فراهم گردد.

#### سپاسگزاری

بدین وسیله از همکاری و مساعدت تمامی دانشجویان دانشکده‌های علوم انسانی، فنی و مهندسی و پزشکی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری که در انجام این پژوهش ما را یاری نمودند، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌شود.

#### تضاد منافع

این مطالعه هیچ تضاد منافی ندارد.

## منابع

- سنگی، لیلا. (۱۴۰۲). نیازسنجی فرهنگی دانشجویان دانشگاه تهران. *فصلنامه علمی مطالعات میان فرهنگی*، ۱۸(۵۴)، ۳۳-۶۰.
- سنگی، لیلا. (۱۴۰۰). سنجش نگرش دانشجویان به برنامه‌های فرهنگی (نمونه مطالعاتی): دانشجویان تحصیلات تکمیلی خوابگاه‌های دانشگاه تهران. *فصلنامه مطالعات میان فرهنگی*، ۱۶(۴۹)، ۳۰-۹.
- طاهری، ابوالفضل؛ آزاده، فریدون؛ مردای‌جو، محمد؛ و یوسفیان‌زاده، امید. (۱۳۹۶). بررسی گرایش به تفکر انتقادی در دانشجویان دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران. *دوماهنامه پی‌اورد سلامت*، ۱۱(۱)، ۱-۹.
- عباس‌زاده، محمد؛ رضایی‌فرهادآباد، رجب؛ و امین‌مظفری، فاروق. (۱۳۹۴). بررسی رابطه فرهنگ رشته‌ای با انواع فرهنگ‌های دانشگاهی در دانشگاه تبریز. *فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۶(۴)، ۲۴-۱.
- عبدی، حمید؛ میرشاه جعفری، سیدابراهیم؛ نیلی، محمدرضا؛ و رجایی‌پور، سعید. (۱۳۹۶). تبیین برنامه درسی آینده در راستای تحقق چشم‌اندازها و رسالت‌های آموزش عالی ایران در افق ۱۴۰۴. *دوفصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی*، ۸(۱۶)، ۵۹-۸۸.
- عزیزی مهر، خیام. (۱۳۹۷). *جستارهایی در ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان*. تهران: نشر پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- کورشنیا، مریم؛ و لطیفیان، مرتضی. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین ارزش‌های فرهنگی جامعه و گرایش‌های تفکر انتقادی دانشجویان با واسطه‌گری ابعاد الگوهای ارتباطات خانواده و استادان. *مطالعات آموزش و یادگیری*، ۳(۲)، ۱۳۴-۱۰۳.
- کیان‌پور، مسعود؛ معمار، ثریا؛ و خجسته، سحر. (۱۳۹۳). وضعیت گرایش به تفکر انتقادی دانشجویان دانشگاه اصفهان و برخی از عوامل مرتبط با آن. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۵(۲)، ۱۳۸-۱۱۷.
- مالکی‌امامیه، زهرا؛ و رضایی، مهدی. (۱۳۹۴). بررسی وضعیت تفکر انتقادی دانشجویان علوم پزشکی و تأثیر برنامه‌ی درسی دانشگاه‌ها بر آن: مقاله مروری. *دوماهنامه طب توانبخشی*، ۴(۴)، ۱۶۵-۱۵۶.
- اخلاصی، ابراهیم؛ فاتحی دهقانی، ابوالقاسم؛ و حیدرپور، پرویز. (۱۴۰۰). خوانش بوردیویی تجربه‌زیسته نابرابری در میدان دانشگاه با تأکید بر خشونت نمادین؛ مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی. *فصلنامه راهبرد فرهنگ*، ۱۴(۵۴)، ۴۲-۷.
- اسماعیلی، سمیه؛ و شیخ‌الاسلامی، راضیه. (۱۳۹۷). تبیین علی‌خلاقیت بر اساس ارزش‌های فرهنگی: نقش واسطه‌ای انگیزش و هیجان. *مجله علوم روانشناختی*، ۲۰(۱۰۱)، ۷۷۵-۷۸۶.
- پاک‌مهر، حمیده؛ میردورقی، فاطمه؛ غنایی چمن‌آباد، علی؛ و کرمی، مرتضی. (۱۳۹۲). رواسازی، اعتباریابی و تحلیل عاملی مقیاس گرایش به تفکر انتقادی ریکتس در مقطع متوسطه. *فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی*، ۳(۱۱)، ۵۴-۳۳.
- جهانی، جعفر؛ رستمی، مازیار؛ جویباری، لیلا؛ مرزوقی، رحمت‌اله؛ ترک‌زاده، جعفر؛ و خان‌ببینی، زهرا. (۱۴۰۲). طراحی و روان‌سنجی پرسشنامه سنجش تفکر انتقادی دانشجویان تحصیلات تکمیلی پرستاری. *نشریه آموزش پرستاری*، ۱۲(۳)، ۴۱-۳۲.
- حسینی، ریحانه؛ اثنی‌عشری، فرزانه؛ ممانی، مژگان؛ و جیریایی، نسرين. (۱۴۰۰). بررسی سطح مهارت‌های تفکر انتقادی در دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی همدان. *فصلنامه پژوهش در آموزش علوم پزشکی*، ۱۳(۱)، ۱۳-۴.
- خرسندپور، توران؛ رضاخانی، سیمین‌دخت؛ و پاشاشریفی، حسن. (۱۴۰۰). الگوی ساختاری باورهای غیرمنطقی بر اساس ویژگی‌های شخصیتی و عزت نفس در دانشجویان: نقش واسطه‌ای تفکر انتقادی. *مجله علوم روانشناختی*، ۲۰(۱۰۱)، ۷۷۵-۷۸۶.
- دربان، لیلا؛ اشتری، سارا؛ مرتضوی، فتحیه؛ قرقانی، زهره؛ و یزدانی، شهرام. (۱۳۹۵). بررسی مهارت‌های تفکر انتقادی در دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی و دانشگاه علوم پزشکی تهران. *فصلنامه علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی واحد پزشکی تهران*، ۲۶(۴)، ۲۳۷-۲۲۹.

- Baidon, M. C., & Sim, J. B-Y. (2009). Notions of criticality: Singaporean teachers' perspectives of critical thinking in social studies. *Cambridge Journal of Education*, 39(4), 407-422.
- Chaisuwan, C., Kelly, K., Kelman, G. B., & Continelli, T. (2021). The Relationship between Cultural Value and Critical Thinking Dispositions and their Difference among Nursing Students in Thailand and United States. *The Pacific Rim International Journal of Nursing Research (PRIJNR)*, 25(2), 199-212.
- Garwood, J. K., Ahmed, A. H., McComb, S. A. (2018). The effect of concept maps on undergraduate nursing students' critical thinking. *Journal of Nursing Education Perspectives*, 39(4), 208-214.
- Jones, T. (2017). Playing Detective to Enhance Critical Thinking. *Journal of Teaching and Learning in Nursing*, 12(1), 73-76.
- Kertiyani, N. M. I., Fatimah, S., & Dahlan, J. A. (2022). Critical thinking skillthrough problem-based learning with problem posing withinsolution. *Journal of Mathematics and Science Teacher*, 2(2), 1-5.
- Lu, P., Burris, S., Baker, M., Meyers, C., & Cummins, G. (2021). Cultural Differences in Critical Thinking Style: A Comparison of U. S. and Chinese Undergraduate Agricultural Students. *Journal of International Agricultural and Extension Education*, 28(4), 1-16.
- Manalo, E., Kusumi, T., Koyasu, M., Michita, Y., & Tanaka, Y. (2013). To what extent do culture-related factors influence university students' critical thinking use? *Journal of Thinking Skills and Creativity*, 10, 121-132.
- Park, J. H., Niu, W., Cheng, L., & Allen, H. (2021). Fostering Creativity and Critical Thinking in College: A Cross-Cultural Investigation. *Journal of Frontiers in psychology*, 12, 1-12.
- Qondias, D., Lasmawan, W., Dantes, N., Arnyana, I. B. P. (2022). Effectiveness of Multicultural Problem-Based Learning Models in Improving Social Attitudes and Critical Thinking Skills of Elementary School Students in Thematic Instruction. *Journal of Education and e-Learning Research*, 9(2), 62-70.
- Tan, C. (2017). Teaching critical thinking: Cultural challenges and strategies in Singapore. *British Educational Research Journal*, 43(5), 988-1002.
- Uzunöz, F. S., & Demirhan, G. (2017). The effect of creative drama on critical thinking in preservice physical education teachers. *Journal of Thinking Skills and Creativity*, 24, 164-174.
- مباشری، فرزانه؛ منوچهری، مهین؛ و نوروزی، فاطمه. (۱۳۹۶). مهارت‌های تفکر انتقادی در دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه علوم پزشکی فسا. *راهبردهای توسعه در آموزش پزشکی*، ۴(۱)، ۱۵-۴.
- متوسلی، الهه؛ نوروزی، مهدی؛ و حسینی، زهراسادات. (۱۴۰۱). بررسی نیازسنجی فرهنگی دانشجویان بین‌الملل دانشگاه علوم پزشکی تهران. *فصلنامه علمی مطالعات میان فرهنگی*، ۱۷(۵۱)، ۳۳-۶۲.
- منصوری‌سپهر، روح‌الله؛ مطیعی، حورا؛ شکرریز، جواد؛ و نجاتی، وحید. (۱۳۹۲). بررسی ساختار عاملی و پایایی پرسشنامه ارزش‌های فرهنگی سازمان. *فصلنامه مشاوره شغلی و سازمانی*، ۵(۱۵)، ۷۱-۵۷.
- موسی‌زاده، سمیه؛ مومن‌نسب، مرضیه؛ بختیاری، طیبیه؛ و رئیس، محمود. (۱۳۹۵). گرایش به تفکر انتقادی در دانشجویان پرستاری و ارتباط آن با عملکرد تحصیلی. *نشریه آموزش پرستاری*، ۵(۴)، ۲۵-۲۰.
- موسیوند، محبوبه. (۱۴۰۱). تدوین مدل وجدان تحصیلی و حل مسئله بر تفکر انتقادی دانشجویان با میانجیگری مهارت‌های ارتباطی. *مجله علوم روانشناختی*، ۲۱(۱۰۹)، ۹۳-۱۰۶.

